

(62)

شیراز

هو الله

ای ثابتان ای راسخان در روز غوغا و ضوضا که جمعی بدون بینه و برهان هجوم بمحل ثابت بر پیمان نمودند شما بحمایت و صیانت پرداختید و بتمام توکل در قلوب مهاجمین خوف و خشیت انداختید این جانفشانی بود و از قوت صلابت ایمانی بیخردان در کمینند تا فرصتی یابند و دست تطاول بگشایند و بظلم و عدوان پردازند این سلاح عاجزانست چون از قوت برهان بی نصیب گردند و در اقامه حجت عاجز و ضعیف و گنگ و لال گردند دست تطاول بگشایند همیشه این روش اهل بطلان است و مسلک اهل طغیان این آخر الدواء الکی شمرند ولی بخسران مبین افتند و ضرر و زیان شدید یابند این تعرضات سبب ظهور آیات بینات و این اعتساف تمهید مقدمات و سبب انتباه غافلان و جستجوی طالبان گردد البته اگر ادنی تفکری بنمایند ابدأ تعرض ننمایند بلکه ساکت و صامت گردند و در حفره ظنون و اوهام خزیده خود را از پرتو شمس حقیقت محروم و محجوب نمایند وقتی که شهناز الهی منحصر در شیراز بود ستمکاران سبب شدند که این صیت عظیم باصفهان و طهران رسید و چون بیشتر کوشیدند و اذیت و جفا کردند و سیاست شدید روا داشتند بجمیع صفحات ایران سرایت کرد نفوذ کلمة الله در خراسان علم افراخت چون باطفاء این سراج کوشیدند و بقتل و غارت پرداختند و خون مظلومان ریختند و سرها بر نیزه نمودند مردان را شهید کردند اطفال اسیر نمودند نساء را ذلیل کردند و مانند دشت بلا صحرای کربلا بخونریزی مظلومان پرداختند و باسارت صبیان و نسوان دست گشودند صیت امر الله بسائر بلدان در اطراف و اکناف عالم رسید و چون کوشیدند که نور مبین از ایران نفی و سرگون گردد علم مبین درعراق بلند شد و چون در عراق بنفاق پرداختند سبب شد که جمال قدیم بشهر شهیر نفی و تبعید شد و کوس اعظم و ناقوس اکبر در اسلامبول کوبیده شد و چون از مرکز سلطنت عثمانیان با نهایت ظلم و عدوان برومیلی ارسال نمودند آن اقلیم نیز پرتو نور مبین یافت و چون از آن کشور بسجن اکبر نقل گردید و قلعه ویران سجن محبوب امکان شد و نهایت ذل و هوان حاصل گردید صیت امر الله و صوت کلمة الله در ممالک اروپا و امریک انتشار یافت زلزله در آفاق انداخت و اهل نفاق خائب و خاسر گشتند و هنوز دست برنمیدارند این تهکم و تعرض

سبب شد که ندای الهی در جمیع آفاق بلند گردید هنوز در خواب غفلتند و گمان میکنند که این حرکت مذبحخانه سبب قلع و قمع اساس خداوند یگانه است هیئات هیئات جمال مبارک روحی لاحبانه الفدا میفرماید که این جوش و خروش علمای جاهل بر منابر و فریاد و نعره‌های وا دینا وا مذهبا در مسالک و معابر ندای بامر الله است این نفوس منادی حقند و لکن لا یشعرون ذرهم فی خوضهم یلعبون باری الحمد لله شما بآنچه باید و شاید قیام نموده‌اید و مدافعه از هجوم یغماگران فرمودید طوبی لکم من هذه المنقبة العظمی و علیکم البهاء الابهی (ع ۶)